

¹And I, brethren, when I came to you, came not with excellency of speech or of wisdom, declaring unto you the testimony of God.²For I determined not to know any thing among you, save Jesus Christ, and him crucified.³And I was with you in weakness, and in fear, and in much trembling.⁴And my speech and my preaching was not with enticing words of man's wisdom, but in demonstration of the Spirit and of power:⁵That your faith should not stand in the wisdom of men, but in the power of God.⁶Howbeit we speak wisdom among them that are perfect: yet not the wisdom of this world, nor of the princes of this world, that come to nought:⁷But we speak the wisdom of God in a mystery, even the hidden wisdom, which God ordained before the world unto our glory:⁸Which none of the princes of this world knew: for had they known it, they would not have crucified the Lord of glory.⁹But as it is written, Eye hath not seen, nor ear heard, neither have entered into the heart of man, the things which God hath prepared for them that love him.¹⁰But God hath revealed them unto us by his Spirit: for the Spirit searcheth all things, yea, the deep things of God.¹¹For what man knoweth the things of a man, save the spirit of man which is in him? even so the things of God knoweth no man, but the Spirit of God.¹²Now we have received, not the spirit of the world, but the spirit which is of God; that we might know the things that are freely given to us of God.¹³Which things also we speak, not in the words which man's wisdom teacheth, but which the Holy Ghost teacheth;

پیام پولس: عیسی مسیح مصلوب شده

¹و من، ای برادران، چون به نزد شما آمدم، با فضیلت کلام یا حکمت نیامدم چون شما را به سرّ خدا اعلام می‌نمودم.²زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب.³و من در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما شدم، و کلام و وعظ من به سخنان مقنع حکمت نبود، بلکه به برهان روح و قوّت،⁴ تا ایمان شما در حکمت انسان نباشد بلکه در قوّت خدا.⁵لکن حکمتی بیان می‌کنیم نزد کاملین، اما حکمتی که از این عالم نیست و نه از روسای این عالم که زایل می‌گردند.⁶بلکه حکمت خدا را در سرّی بیان می‌کنیم، یعنی آن حکمت مخفی را که خدا پیش از دهرها برای جلال ما مقدر فرمود،⁷ که احدی از رؤسای این عالم آن را ندانست زیرا اگر می‌دانستند خداوند جلال را مصلوب نمی‌کردند.⁸بلکه چنانکه مکتوب است: چیزهایی را که چشمی ندید و گوشه نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.⁹اما خدا آنها را به روح خود بر ما کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتّی عمق‌های خدا را نیز تفحص می‌کند.¹⁰زیرا کیست از مردمان که امور انسان را بدانند جز روح انسان که در وی می‌باشد. همچنین نیز امور خدا را هیچ‌کس ندانسته است، جز روح خدا.¹¹لیکن ما روح جهان را نیافته‌ایم، بلکه آن روح که از خداست تا آنچه خدا به ما عطا فرموده است بدانیم.¹²که آنها را نیز بیان می‌کنیم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آنچه روح‌القدس می‌آموزد و روحانیها را با روحانیها جمع می‌نماییم.¹³اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا که نزد او جهالت است و آنها را نمی‌تواند فهمید زیرا حکم آنها از روح می‌شود.¹⁴لکن شخص روحانی در همه چیز حکم می‌کند و کسی را در او حکم نیست.¹⁵زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا او را تعلیم دهد؟ لکن ما فکر مسیح را داریم.

comparing spiritual things with spiritual.¹⁴ But the natural man receiveth not the things of the Spirit of God: for they are foolishness unto him: neither can he know them, because they are spiritually discerned.¹⁵ But he that is spiritual judgeth all things, yet he himself is judged of no man.¹⁶ For who hath known the mind of the Lord, that he may instruct him? But we have the mind of Christ.